

ایران در ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب سلیمانیه

ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب سلیمانیه با حضور ماموستا حمه‌حمه سعید، وزیر فرهنگ اقلیم کردستان عراق، استاندار و شهردار شهر سلیمانیه و جمعی از چهره‌های علمی و فرهنگی افتتاح شد.
دراین نمایشگاه بیش از ۱۵۰ ناشر از اقلیم کردستان عراق و کشورهای چون عراق، مصر، ترکیه، عربستان، کویت، سودان، عمان، امارات، لبنان، آمریکا و انگلیس شرکت کرده‌اند.
خانه‌کتاب و ادبیات ایران هم در این رویداد فرهنگی در غرقه‌ای

بامهندسی معکوس

به تولید انیمیشن می‌زنند، معتقدند هنر پویانمایی

ت ایرانی در جهان معاصر است

انسان محوری را به انیمیشن تبدیل کنیم. «مولان» هم یک قهرمان چینی بود، اما دیزنی ساخته بود و برای ساخت یک اثر ۲۰۰ میلیون دلار هزینه کرد. بنابراین، به این نتیجه رسیدیم که شخصیت‌هایش حیوانی باشد؛ اگرچه حرف برند و روی دویا راه برون. این ضرورت که بازار به چه چیزی اقبال نشان می‌دهد، موجب شد که شنگول و منگول را بسازیم. **کیانوش دالوند:** موقعی که ما نسخه اولیه داستان را به خارج از کشور فرستادیم، آنها کار قشنگی خارج از ذهنیت من انجام دادند و ۱۲ کدکد علاقه‌مند و پیگیر فیلم را دور هم جمع کردند و قصه را آوردند و تخیل را شروع کردند. همان آبی زلال در فیلم، تخیل یکی از بچه‌هاست. هم چنین مقداری از طنزها و داستان‌های اکشنی که در فیلم رخ داد، برایم خیلی جالب بود. نظر این بچه‌ها باعث اضافه شدن چند شخصیت، ماجرا و موقعیت طنز به داستان شد. ما این ایده‌ها را با این‌که خیلی ساختار خاصی نداشت، استفاده کردیم. بعد از این‌که متن انگلیسی را فرستادند، یک‌بار دیگر روی ساختار داستان کار کردم و تازه نویسنده‌ها نشستند و دیالوگ‌ها را با مجدد به زبان انگلیسی ترجمه کردند. برای مدیر دوبلاژ در لس آنجلس تصویر و دیالوگ‌هایی فرستادم که شگفت‌زده شده بود که چه‌جکسی این دیالوگ‌های خوب را نوشته است؟...

داریوش دالوند: یکی از همین بچه‌ها در ۱۲ سالگی به‌قدری بازی رایانه‌ای انجام داده بود و یک‌جانشین بود که بیش از ۱۰۰ کیلو وزن داشت و به مرکز ترک بازی می‌رفت و اتفاقا یکی از خلاق‌ترین افراد بود. باید بدانیم همین بچه‌هایی که راحت به آنها برچسب می‌زنیم که هیچ چیز نمی‌شوی، چه ظرفیت‌هایی دارند.

[۱] به‌نظر می‌رسد ما نیازمند کارکردن روی داستان‌های مشترک بین

قهرمانی ارسلان زاپنی» ساخته‌شده. بعد از دیدن سریال متوجه می‌شویم تمام شخصیت‌های شاهنامه از قبیل گیو و گودرز در آن استفاده شده و این درحالی‌است که در داستان امیراسلان چنین چیزی نداریم. خیلی جالب است که هم‌اوقات تاریخی و اسمی و جغرافیایی مثل هگمتانه یا اسپهبدان دارد اما نکته عجیب و غریب که نمی‌دانم از کجا نشأت گرفته، ایران را یک کشور برده‌دار معرفی می‌کند. نمی‌دانم چطور امکان دارد داخل این انیمه، ما را که در طول تاریخ‌مان برده‌داری هیچ صیغه‌ای ندارد، این‌طور نشان دهند؟... گاهی این فکر را دارم که وقتی خودمان کاری

به مساحت ۱۸ متر مربع با ۳۰۰ عنوان کتاب از ۵۰ ناشر فعال کشور در موضوعات مختلف ادبیات پایداری و دفاع مقدس، ایران‌شناسی، ادبیات کهن و معاصر، کودک‌ونوجوان و آموزش زبان فارسی در این نمایشگاه حضور دارد. توجه به فرهنگ مشترک ایران و اقلیم کردستان، یکی از موضوعاتی‌است که غرقه ایران در این نمایشگاه به آن توجه کرده‌است. معرفی آخرین دستاوردهای صنعت نشر کشور، معرفی نمایشگاه بین‌المللی

نمی‌کنیم و چیزی در این رابطه نمی‌سازیم، آنها حق دارند چنین‌کاری را انجام دهند. به‌جزاین، چندسال‌است که نقش منفی فیلم‌های خارجی ایرانی‌ها شدند؛ یعنی در گذشته ممکن بود مسلمانان را شخصیت منفی نشان دهند اما ایرانی کم بود اما همین الان در سریال «پنگوئن» نقش منفی یک خانواده ایرانی هستند. در فیلم هندی «داتکی» هم بدترین شخصیتش یک افسر ایرانی‌است که آدم‌ها را قتل عام می‌کند. کشور ایران به‌تعبیر تمام کسانی که به آن سفر کردند، مهربان‌ترین مردم را دارد و چنین‌بلایی سرشان می‌آید، چون هیچ تریبون و رسانه‌ای برای صحبت‌کردن در عرصه بین‌الملل ندارند.

[۲] شاید فقط همین انیمیشن‌ها بتوانند روی افکار عمومی دنیا تأثیر مثبت بگذارند و باعث شوند حقیقت موجود در کشورمان را وارونه نشان دهند.

کیانوش دالوند: تنها چیزی که می‌تواند نجات‌مان بدهد، انیمیشن‌است.

[۳] متأسفانه از طرف دیگر، بیشتر فیلم‌هایی که در خارج از کشور در جشنواره‌ها حاضر می‌شوند و خودشان را ایرانی معرفی می‌کنند، فضای تیره و ناامیدکننده‌ای را القا می‌کنند.

کیانوش دالوند: متأسفانه مقداری این فضا حاکم‌است.

داریوش دالوند: بزرگ‌ترین اصل مدیریت در یک کتاب، با قصه‌ای شروع می‌شود که یک ماهیگیر، قورباغه‌ای را در دهان ماری می‌بیند و دلش برای قورباغه می‌سوزد و آن را از درون دهان مار بیرون می‌کشد و بعد فکر می‌کند چه ظلمی کرده و چرا ما را گرسنه گذاشته و به همین دلیل یک نوشیدنی در دهان مار می‌گذارد و چند دقیقه بعد می‌بیند که مار دو قورباغه آورده‌است. بحث سراین‌است که شما به چه چیزی پاداش می‌دهید؟... تمام جشنواره‌ها به فیلم‌های گداگرانی ما جایزه می‌دهند اما چرا در داخل خودمان چنین کاری را انجام دادیم؟... ما روزهایی در سینما داشتیم و فیلم‌هایی تولید می‌شدند که به‌صرف شادبودن و این‌که احساس بوجی را منتقل نمی‌کردند، می‌گفتیم فیلم خوبی نیست و احساس بوجی را با نفکر همسان کرده‌بودیم. خط‌مشی جشنواره‌هایی مانند لوکارنو و کن مشخص‌است اما چرا آن سال‌ها کاری کردیم که به فیلم‌های زیبایی که در جشنواره‌های داخلی داشتیم جایزه ندهیم؟... تمام ارشش فرهنگی ما به‌سستی رفت که چنین فیلم‌هایی را بسازند و وقتی دبیر جشنواره ما چنین چیزی را تأیید کند، هیچ توجیهی ندارد. البته این را در نظر داشته باشید که در تمام این سال‌ها ما به‌عنوان یک گروه انیمیشن‌ساز تلاش کردیم برای مردم اثر تولید کنیم و هیچ‌گاه ما به حضور در جشنواره‌ها نبوده‌است. هنر اثری در دست مخاطب ارزش دارد و فیلم، اول باید برای مخاطب ساخته شود.

[۴] چرا تصمیم گرفتید این انیمیشن را با عوامل خارج از کشور تولید کنید؟... چون با توجه به پیشرفت انیمیشن ایران به‌خصوص از لحاظ فرم و تکنیک به‌نظر نمی‌رسد مانع خاصی برای تولید این انیمیشن در داخل کشور وجود داشته باشد.

داریوش دالوند: حدود ۲۰۰ نفر در مجموع با گروه دوبله انگلیسی و فارسی در این فیلم کار کردند و ۳۰ درصد عوامل، شامل ارکستر موسیقی، آهنگساز، خواننده، تیم نویسندگی و دوبلور، خارجی هستند. درواقع، عوامل فنی استفاده‌شده حتی به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسند. همان‌طور که در نگارش فیلمنامه تلاش کردیم نگاهی جهانی داشته باشیم، به این نتیجه رسیدیم که مخاطبان ما باید انگلیسی‌زبان باشند تا بتوانیم به زبان جهانی دست باییم. یکی از متفکران پاکستان می‌گفت زبان فارسی را از پاکستان گرفتند و اردو جایگزین شد اما وقتی اردو صحبت کنید، چیزی برای عرضه یا ماره‌چند ندارید و نمی‌توانید شاهنامه یا حافظ و سعدی بخوانید. بنابراین، به‌هردلیلی سال‌ها پیش این قافیه را باختمیم و مقصرش ما نبودیم و برای جهانی شدن پیش دوبله و دوبله نهایی به زبان انگلیسی روی آوردیم و برای موسیقی نیز همین موضوع را مد نظر قرار دادیم؛ چون پیدا کردن کسی که زبان بین‌المللی موسیقی را در اثر جایبنداز و مخاطبان نسبت به محتوای ارائه‌شده مقاومت نکنند، سخت بود.

کیانوش دالوند: این فیلم تابه‌حال به پنج زبان ترجمه شده و اگر بخواهیم همین عواملی که فیلم را در کشورهای مختلف دوبله کردند در نظر بگیریم، خواهیم دید که چه خواهد شد.

داریوش دالوند: در توانمندی انیمیشن‌سازی ما هیچ شکی نیست اما باید در چارچوب همان سیاست‌هایی باشد که ما به چه‌چیز پاداش می‌دهیم، چون بسیاری از این عزیزان با مهاجرت کردند یا نوع مهاجرت‌شان درجا بوده‌است، یعنی برای شرکت‌های خارجی کار می‌کنند. زمانی که ۲۵۰ دفتر تولید انیمیشن در کشور داشتیم، شاید ۱۵

کتاب تهران، معرفی طرح‌های حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و جوایز ادبی از برنامه‌های غرفه جمهوری اسلامی ایران در این نمایشگاه‌است. در روز نخست این نمایشگاه، غرفه جمهوری اسلامی ایران میزبان حمه‌حمه سعید، وزیر فرهنگ اقلیم کردستان عراق بود. ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب سلیمانیه با حضور ایران و برخی کشورهای دیگر، به مدت ۱۱ روز از هشتم تا هجدهم آذرماه میزبان علاقه‌مندان‌است.



سال پیش باشد. چه بسیار دفاتری از نقطه نقطه ایران از رشت تا کرمان،

یزد، اهواز، آبادان و بوشهر که لوازم رایانه و کارشناس را روی هم گذاشتند و ورشکسته شدند. همه می‌دانیم که آمریکا چندان هم قوی نیست، اما روی دو موضوع سوار است؛ یکی درزی از جیب ملت‌های جهان با دلار و دوم گول زدن مردم با هالیوود و القای برتری خود به دنیا. حتی همین وطن‌پرستی که در فیلم‌هایش نمایش می‌دهد را با پول می‌خرد و مامتوجه این موضوع نشدیم. حضرت‌آقا، جایی فرمودند یک نفر دشتی را نشان می‌دهد و می‌گوید اینجا جایی‌است که اسکندر از آن رد شده‌است اما ما تخت جمشید را داریم که بیانگر تمدن چند هزارساله‌است. به من در رستم و سهراب انتقاد می‌شد که چرا تخت جمشید را الگوی کاخ کیکاووس قرار دادید و هیچ همزمانی ثابت‌شده‌ای وجود ندارد. من در حالی به تخت جمشید در فیلم ارجاع دادم که خارجی‌ها در زمان‌های صد سال پیش به این اشاره می‌کنند که دستشویی نداشتند اما چندین هزار سال است که در تمام خانه‌های ما این امکان موجود بوده‌است. من با نمایش این شکوه قصد دارم خودم را به یک خارجی به خوبی معرفی کنم؛ نه این‌که این شخصیت‌ها را به غار و جاهای دورافتاده که هیچ شناسنامه‌ای ندارند ببریم. بخشی از تمدنی که فردوسی در شاهنامه از آن یاد می‌کند براساس واقعیت بوده‌است. متأسفانه ما در این حوزه‌ها هیچ نگاه اسطوره‌سازانه نداشتیم. روزی به استاد رازانی گفتم وقتی «هوشیار و بیدار» را تماشا می‌کنم، به نظر می‌رسد زمینه‌ها مربوط به ناحیه گلدشت بروجرد است و ایشان تأیید کرد و شگفت‌زده شدم و گفت شما باید چیزی را دیده باشید که تخیل را براساس آن شکل دهید.

[۵] براساس چه رویکردی شخصیت‌های موجود در انیمیشن و این حیوانات را انتخاب کردید؟ آیا فلسفه یا دلیل خاصی برای انتخاب این شخصیت‌ها وجود داشت؟

کیانوش دالوند: معمولاً دارم را تضادهای موجود در آن پیش می‌برم و همین تضاد را در شخصیت‌ها مثل اندازه کوچک و بزرگ دواستادی که کنار هم قرار می‌گیرند به کار برده‌یم. همچنین وجود حیوانات شکاری و شکارشونده در کنار هم که شکارچیان نباید شکار کنند و در موضع ضعف قرار می‌گیرند، نوعی تضاد است. بنابراین، تلاش کردیم این تضادها را هم به لحاظ دراماتیک و هم رنگ‌بندی در شخصیت‌ها ایجاد کنیم. در رزم این شخصیت‌ها، پرشش‌هایی نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال، اگر یخ‌خواهیم یک اسپیکن آف درباره این موضوع بسازیم، می‌توانیم به این ببردازیم که چرا شاخ یک شخصیت شکسته و او به تک‌شاخ تبدیل شده‌است.

[۶] با توجه به اینهامی‌تواند که گذشته شخصیت‌ها وجود دارد، آیا دنباله‌ای هم برای شنگول و منگول می‌سازید؟

داریوش دالوند: می‌خواهم این‌مژده را به شما بدهم که فیلم شنگول و منگول قسمت دوم و سوم هم دارد و البته این ادامه‌دادن به دلیل استقبال احتمالی نیست. همستر، قاقم (بی‌هراس) و گرگی که تنها از صحنه خارج شد و ندیدیم چه اتفاقی برایش افتاد، استاد تک‌شاخی که کسی علت شکسته شدن شاخش را نمی‌داند همگی دستمایه‌ای برای ادامه‌دادن این فیلم‌است. بنابراین، به فکر این بودیم که اگر از کار استقبال شد، دست‌مان در پوست‌گردد و نمائد و مثل کمپانی بزرگ برده که قسمت دوم «شگفت‌انگیزان» را ساخت، ناامیدکننده نباشد. دومین موضوعی که شخصیت‌های متنوعی را در انیمیشن به کار بردیم مربوط به بازارپردازی‌است. به‌عنوان مثال، در بازارپردازی موقفی در رستم و سهراب داشتیم اما به‌گونه‌ای نبود که راضی‌مان کند. ما به همان میزان استقبالی که از لوح‌های قشرده رستم و سهراب شد، باید کیف مدرسه می‌فروختیم اما چنین کاری نکردیم، چون هنگام ساخت فکر این کارها نبودیم.

[۷] پس به بازارپردازی محصولات فرهنگی از شنگول و منگول فکر می‌کنید؟

داریوش دالوند: قطعاً. بعضی شخصیت‌ها تبدیل به زیباترین عروسک‌هایی می‌شوند که بچه‌ها دست می‌گیرند. وقتی می‌خواستیم عروسک رستم و سهراب را بسازیم، به هیچ شکلی امکان زیبا کردن آن برایمان وجود نداشت. اینها جزو شگردهای بازارپردازی‌است که باید از قبل به آن فکر شود. براساس این انیمیشن‌ها باید عروسک شخصیتی تولید شود که بچه‌ها از روی خریدش را داشته باشند. بسیاری از عروسک‌ها شخصیت انیمیشنی ندارند اما وقتی رد می‌شوید هم دوست دارید آن را بخرید، چون زیباست.



قاب

پلی میان فاطمیه و مظلومیت فلسطین

نمایش «۲۰۲۷ نقطه سر خط» با ترکیب داستانی، از زندگی مردم غزه و وقایع تاریخی فاطمیه، روایتی از مظلومیت و ایمان را به صحنه آورده است.
دانیال محسنی، تهیه‌کننده این نمایش گفت: نمایش از اول آذر شروع شد و تمام سانس‌ها با ظرفیت کامل پر شدند و حتی مجبور شدیم برای برخی شب‌ها صندلی اضافه کنیم تا مخاطبان روی زمین ننشینند. استقبال مردم فوق‌العاده بود و نظرات مثبت آنها دلگرمی بزرگی برای ما شد.
همزمان با اجرا، یک پویش حمایتی برای کمک به مردم غزه راه‌اندازی کردیم. این پویش با کمپین «ایران هم‌دل، هماهنگ شده است. برای نمونه، پیکسل‌هایی طراحی کردیم که پشت آنها شماره حسابی برای کمک به مردم فلسطین قرار دارد.

فرهنگ

CULTURE

شنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۳ ■ شماره ۶۹۲۰

